



یادداشت

تعیین مزد متفاوت فریب تازه برای امتناع از افزایش دستمزدهاست

صادق کار



احمد میدری وزیر کار از تعیین دستمزد متفاوت برای مشاغل مختلف خبر داده و گفته است: این وزارتخانه در مذاکرات مزد ۱۴۰۴ به دنبال این است که هم قدرت خرید کارگر حفظ شود و هم اشتغال رسمی (به دلیل افزایش حداقل مزد) کاهش نیابد. او تاکید کرده است: دستمزدها بر اساس صنف‌های مختلف تعیین می‌شود. مثلاً حداقل دستمزدی که در صنف پتروشیمی و فولاد و معدن وجود دارد با هم متفاوت است.

او البته هنوز در مورد فورمول تعیین مزد متفاوت مورد نظرش چیزی ارائه نداده و چون مزد متفاوت ابداعی تازه و ناشناخته است که وی قصد دارد آن را برای اولین بار به اجرا بگذارد، فعلاً نمی‌توان از رمز و راز آن سر درآورد.

در دو سه سال اخیر صحبت از منطقه‌ای کردن دستمزد توسط عوامل آشکار و پنهان اتاق بازرگانی مطرح می‌شد و مقصود از آن تعیین دستمزد متفاوت برای مناطق مختلف کشور جهت کاهش سطح عمومی دستمزدها و ایجاد تبعیض و تفرقه در میان کارگران مناطق مختلف به منظور تضعیف مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد بود. طرح تازه هم به نظر می‌رسد با همان اهداف ابداع شده باشد: میدری خودش گفته است:

" اینجا ما می‌خواهیم یک حداقل دستمزدی برای کلیه صنف‌ها ایجاد کنیم که در این بخش بحث بر سر این است که سبد معیشت و ... چه باید باشد

همین یک جمله تا حدودی پرده از راز طرح جدید جناب وزیر بر می‌دارد. او از آنجا که می‌داند ماهیت طرح منطقه‌ای کردن دستمزد افشا شده و اجرای آن با مخالفت بیشتر کارگران مواجه خواهد شد، همان طرح را بنام دیگری سعی می‌کند اجرا کند. در طرح ظاهراً تازه، رشته شغلی جای مناطق در طرح منطقه‌ای کردن دستمزد را گرفته‌است.

وزیر کار ظاهراً بجای تعیین حداقل دستمزد برای سراسر کشور، می‌خواهد برای هر رشته حداقل دستمزد



معینی تعیین کند که به نظر نمی رسد یکسان باشند. در این صورت می تواند همان اهداف منطقه‌ای کردن دستمزد ها را عملی کند. هزینه های زندگی مگر برای کارگران یک صنف با صنف دیگر چه تفاوتی دارد که او می خواهد برای هر صنف یک جور دستمزد تعیین کند؟ پرداخت دستمزد اضافی برای مشاغل سخت البته حق کارگرانی است که برای مثال در معادن، فولاد و مشاغل مشابه کار می کنند، ولی این ربطی به حداقل دستمزد ندارد. حق سختی کار باید جداگانه و تحت همین عنوان به شاغلین آنها داده شود و نباید بهانه‌ای برای تعدیل دستمزدها در رشته های شغلی دیگر شود، مگر اینکه نیت فریبکاری در کار باشد، که هست: میدری در جای دیگری می گوید: به دنبال این است که هم قدرت خرید کارگر حفظ شود و هم اشتغال رسمی (به دلیل افزایش حداقل مزد) "کاهش نیابد"

در این گفته دو مغلطه وجود دارد که در سالهای گذشته نیز در هنگام تعیین مزد از طرف وزرای کار و نمایندگان سازمانهای کارفرمایی تکرار شده‌اند. اولین مغلطه که نوعی تهدید هم هست این است که اگر دستمزدها را به اندازه هزینه های زندگی افزایش دهیم، "اشتغال رسمی" کاهش پیدا می کند. یعنی اگر افزایش دستمزد بخواهید شما را بیرون و غیر رسمی می کنیم و دستمزد هایتان را کم می کنیم. مغلطه دوم آن است که نمی گویند می خواهیم قدرت خرید را بالا ببریم، می فرماید، می خواهیم قدرت خرید فعلی را حفظ کنیم! این در حالی است که درست به بهانه های این چنینی ده ها سال از افزایش دستمزدها طفره رفته‌اند و نتیجه اش این شده که به گفته عوامل خودشان دستمزدها کفاف هزینه‌های بیش از یک هفته کارگران را نمی دهند

این وضعیت تنها شامل کارگران نمی شود، با کارکنان دولت نیز همین گونه برخورد می شود. افزایش ۲۰ درصد به حقوق کارمندان دولت در شرایطی که نرخ تقلبی رسمی تورم بیش از ۳۵ درصد است همین معنی را دارد. وقتی که این خیمه شب بازی همه ساله تکرار می شود نتیجه اش غیر از این نیست که قدرت خرید کارگر و کارمند هر ساله نه تنها به اندازه تورم افزایش داده نمی شود بلکه سال به سال کمتر می شود. برای سقوط نکردن از زیر خط فقر به زیر خط مرگ یک راه بیشتر وجود ندارد، اعتصاب عمومی!

از جنبش نه به اعدام برای متوقف کردن و ابطال احکام اعدام حمایت و به آن

پیوندید!

ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!

برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران

و مزد و حقوق بگیران!



برابری جنسیتی در محیط کار بخش پنجم

فیضا علی



نظریه پسا ساختارگرایی

در تقابل با رویکرد مارکسیستی که طبقه را علت اصلی تفکیک اجتماعی می‌داند، نظریه پردازان پسا ساختارگرا گفتمان غالب و نظام‌های بازنمایی را به عنوان مبنای تفکیک جنسیتی می‌شناسند. یکی از موضوعات اصلی مورد نظر آنها نحوه تفکیک زنان و مردان در امر اشتغال است. آنها معتقدند که بسته به این که چه کسی کنترل گفتمان‌های غالب تفکیک را به عهده دارد، این می‌تواند موجب حذف یا شمولیت زنان و مردان از اشتغال و سایر زمینه‌های اجتماعی شود. آثار فیلسوف پسا ساختارگرای فرانسوی، فوکو (۱۹۷۹)، به طور گسترده‌ای توسط حامیان فمینیسم پسا ساختارگرا مورد استناد قرار می‌گیرند. آنها بر این نظر اند که نقش‌ها و هویت‌های جنسیتی چیزی جز عملکردهای اجتماعی نیستند که توسط گفتمان‌های غالب تعیین می‌شوند و این گفتمان‌ها بین فرهنگ‌ها و جوامع مختلف متفاوت اند. بر اساس رویکرد پسا ساختارگرائی تحلیل ساختاری، ساده‌سازی شده بیش از حد تجربیاتی اند که زنان در اشتغال با آنها مواجه می‌شوند.

مطالعات متعددی درباره تفکیک جنسیتی در محیط کار وجود دارند، از جمله مطالعات کانل ۱۹۸۷، کالاس و اسمیرسیچ (۱۹۹۳) که بر نقد نظرات پسا ساختارگرا تکیه می‌کنند. این پژوهشگران معتقدند که تحلیل ساختارگرایانه تفکیک جنسیتی، تمرکز منسوخ بر تعارض دوگانه (پدرسالاری و سرمایه‌داری) میان زنان و رویکرد بهتری برای (gender subjectivity) مردان دارد. آنها استدلال می‌کنند که سوژه‌گرایی جنسیتی مفهوم‌سازی طبیعت پیچیده و متغیر روابط جنسیتی در محیط اشتغال است. مفهوم سوژه‌گرایی جنسیتی توسط سیمون دوبووار (۱۹۸۹) به عنوان تجربه ذهنی زن یا مرد بودن توضیح داده شده است. این گفته مشهور از اوست: «کسی زن به دنیا نمی‌آید، بلکه زن می‌شود.» دوبووار استدلال می‌کند که هیچ طبیعت زنانه‌ای به طور ذاتی وجود ندارد، بلکه تنها یک وضعیت زنانه است که به زنان تحمیل می‌شود. به نظر او «زن با ارجاع به مرد تعریف می‌شود و تمایز می‌یابد، نه مرد با ارجاع به زن؛ زن موجودی فرعی و غیر ضرور در مقابل موجودی ضرور است. مرد سوژه است، او مطلق است؛ زن دیگری (است).



پژوهشگران دیگری مانند کالینسون و هیرن (۱۹۹۶: ۱۰) نیز ماهیت انحصاری تحلیل‌های ساختاری روابط جنسیتی را مورد بحث قرار داده‌اند و بر این نظر اند که «... این تئوری قدرت مردان و تبعیت زنان را به صورت کاریکاتور به تصویر می‌کشد و اهمیت تحلیلی شیوه‌های سازمانی که این دسته‌بندی‌ها را تشکیل می‌دهند، نادیده می‌گیرد». نظریه فمینیستی پس‌اساختارگرا تلاش می‌کند تا سبک‌های زندگی متنوع، پیچیده و در برخی موارد متضاد مردان و زنان را در داخل و خارج از زمینه‌های اشتغال به رسمیت بشناسد. کالینسون و هیرن بر نقش «سوژه‌گرایی جنسیتی و ویژگی‌های مبهم، پراکنده، ناپیوسته و چندگانه آن‌ها در روابط نامتقارن» انگشت می‌گذارند. برخی نویسندگان استدلال می‌کنند که در فرآیند شالوده‌شکنی و تمرکززدایی از سوژه، تمام سوژه‌گرایی‌ها به صورت پراکنده، غیرعقلانی و اغلب متناقض عمل می‌کنند. نظریه‌پردازان پس‌اساختارگرا تحلیل ساختاری تفکیک جنسیتی را مورد انتقاد قرار می‌دهند. به گفته آن‌ها، تحلیل ساختاری تفکیک جنسیتی تمایل دارد تنوع تجربیات زنان و مردان در نیروی کار را نادیده بگیرد و در عوض کلیشه‌های جنسیتی اساسی را تقویت کند. در واقع، حداقل در چند دهه گذشته، تحلیل ساختاری روابط جنسیتی در اشتغال برای توضیح وضعیت پایین‌تر زنان نسبت به مردان مورد استفاده قرار گرفته است. در حالی که نظریه‌پردازان پس‌اساختارگرا به نقش‌های جنسیتی متغیر تعداد اندکی از «زنان موفق» در زمینه‌های اشتغال، به‌ویژه در کشورهای صنعتی اشاره می‌کنند، این واقعیت را نادیده می‌گیرند که اکثریت زنان در کشورهای صنعتی و همچنین در محیط‌های غیرغربی (مانند جوامع اسلامی) در مقایسه با هم‌تایان مرد خود همچنان به سطوح پایین‌تری در امکانات و مقامات اشتغال محدود اند. به‌عنوان مثال، در پاکستان، اگرچه نسبت زنان شاغل در بخش‌های رسمی اشتغال در چند دهه گذشته تا حدی افزایش یافته است، تغییرات کمی در وضعیت و کیفیت تجربیات اشتغال زنان مشاهده شده است. در نتیجه، انتخاب‌های زندگی برای اکثر زنان همچنان با فقر و فقدان قابلیت‌های اقتصادی و اجتماعی محدود می‌شود. اگرچه تحلیل پس‌اساختارگرایانه تفکیک در محیط کار از منظر فردی مفید است، اما مشکلات کلی نیز دارد. این تحلیل بازتولید نابرابری و تبعیض را، در محیط‌های کاری که اکثر کارگران زن با آن مواجه اند، نادیده می‌گیرد. به دلیل تمرکز عمده این نظریه بر تنوع تجربیات، تحلیل پس‌اساختارگرا تبعیض‌های واقعی زندگی را که بخش بزرگی از نیروی کار با آن مواجه است، نادیده می‌گیرد. در عوض، به نظر می‌رسد که این نظریه یک شبکه گسترده از توصیف‌های صرف ایجاد می‌کند که واقعیت مادی و تاریخیچه پدرسالاری و سرمایه‌داری را نادیده می‌گیرد.

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!



رسمی شدن لیست سیاه، برای جلوگیری از فعالیت سندیکایی است

صادق



اخیرا طرح و دستور العمل ضد کارگری دیگری توسط وزیر کار برای اجرا ابلاغ شده است که با واکنشهای زیادی از سوی فعالین کارگری روبه رو شده است. بر اساس طرح جدید سوابق کارگرانی که استخدام می شوند هنگام استخدام در اختیار کارفرما قرار می گیرند، تا کارفرما از سوابق و پیشینه آنها اطلاع حاصل کند. اشتباه نشود منظور اطلاع از تخصص و تجربه و مدارک تحصیلی و شغلی نیست، قضیه ثبت کسانی است که در فعالیت های سندیکایی شرکت کرده اند و مربوط به قانونی کردن لیست سیاه غیر قانونی است که کارفرمایان و سرمایه داران برای جلوگیری از استخدام کارگرانی که در اعتراضات شرکت کرده اند تهیه کرده اند. این لیست سالهاست که وجود دارد و وزرات کار نیز از آن اطلاع داشته ولی تا کنون نه به این عمل غیرقانونی اعتراض کرده و نه اقدامی برای برچیدن آن انجام داده است. حالا جناب وزیر کار "اصلاح طلب" تصمیم گرفته بجای ممنوع کردن لیست سیاه آنرا قانونی نماید. منظور از این خدمت به "ولی نعمتان" واقعی رژیم" مسدود کردن دروازه کارخانه ها به روی کارگرانی است که سابقه حق طلبی دارند و بواسطه آن از کار اخراج شده اند. نام هر کارگری که در لیست سیاه ثبت شود نمی تواند در جای دیگری استخدام شود.

لیست سیاه غیر قانونی است زیرا ناقض حقوق سندیکایی و حق اعتصاب و متضاد با مقوله نامه های سازمان بین المللی کار است. رژیم اسلامی تا کنون با ممنوع کردن فعالیت اتحادیه های کارگری، و محکوم کردن رهبران و اعضای تشکلهای کارگری به زندان و اخراج همه ی این قوانین را لگد مال کرده است. ظاهرا این ممنوعیت ها و اقدامات ضد کارگری دیگر نظیر، موقت سازی ۹۷ درصد از نیروی کار، گرفتن قراردادهای غیر قانونی سفید امضا و سفته هنگام استخدام، سپردن حق اخراج به کارفرمایان، از نظر رژیم سرمایه داران رانتخواار برای جلوگیری از اعتصاب های حق طلبانه کارگران کافی نبوده است که جناب میدری تصمیم به سفید کردن لیست سیاه غیر قانونی خود گرفته است. وضعیت امروز نیروی کار مصداق ضرب المثل معروف "بالتر از سیاهی رنگی نیست" است بنا بر این اقدام امنیتی نیز به مانند ده ها اقدام پیشین در شرایطی که جنگ بر سر سفره های خالی است نمی تواند به اعتراضات کارگری خاتمه داده و کارگران را وادار به تمکین از روابط برده دارانه حاکم بر محیط های کار نماید.

اخذ چنین تصمیماتی از طرف وزیر کار نه تازگی دارد و نه دور از انتظار کارگران است. بی حقوق و برده و مطیع سازی طبقه کارگر از زمان روی کار آمدن رژیم اسلامی پیگیرانه و بدون وقفه بعد از سرکوب شوراها، سندیکاها و احزاب کارگری فارغ از اینکه کدام طیف از حکومت دست بالا را در قدرت داشته، تداوم داشته است و سال به سال بر شدت آن افزوده شده است. تعرض به حقوق زحمتکشان در دولتهای اصلاح طلب چپ، خط امامی ها و اعتدالیون با همان شدت طیف موثلفه چپ ها جریان داشته است. طنز قضیه در این



است که همه ی اینها با شعار عدالتخواهی و دفاع از "مستضعفان" قدرت را قبضه کرده اند، ولی نتیجه کارشان محتاج نمودن ۸۰ درصد از طبقه کارگر به نان شب شان شده است. در این میان اما همان هایی که به نام دفاع از کارگر و محرومان برای رای دادن به دولت پزشکیان و همین وزیر کار او از هیچ دروغ و فریبی دریغ نکردند، حالا از رفتار این دولت آه و ناله و شکوه می کنند و نمی توانند این واقعیت متکی بر تجربه ۴۵ ساله را درک کنند، که همه ی دولتها و وزرا، کارگزار و مجریان امتحان پس داده سیاستها و منافع سرمایه داران هستند و نباید از آنان انتظار داشت غیر از این که می کنند، انجام دهند. طبقه کارگر باید بداند، تا وقتی که این رژیم بر مسند قدرت نشسته است سال به سال وضعیت! طبقه کارگر و زحمتکش بدتر خواهد شد و ناچار است بین بردگی و براندازی رژیم یکی را انتخاب کند

**علیه تغییرات ارتجاعی در قانون کار و تامین اجتماعی، برای برخورداری از قانون کار
جامع متحدانه مبارزه کنیم!**

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

**به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته
باشند!**

این همان مجلسی است که شما برایش تبلیغ می کردید!

امید



سمیه گلپور که خود را رئیس کانون عالی انجمن های صنفی معرفی می کند، از برخورد توهین آمیزی که یکی از نمایندگان عضو فراکسیون پایداری در مجلس هنگام ملاقات با وی داشته برآشفته شده و برخوردی را که "خضری" با او کرده، منتشر کرده است.

ضدیت نمایندگان مجلس و کلا رژیم اسلامی با حقوق کارگران محل مناقشه نیست. بنا بر این انتقاد گلپور حاوی نکته ای که قبلا روشن نشده باشد نیست. از آنجا که این خانم خودش برای تشکیل چنین مجلسی سهم کوچکی به عهده داشته، این "افشاگری" به رغم اینکه تلاش شده به عنوان سند فعالیت و مبارزه به خورد جامعه داده شود اما حالت تف سربالا را برای این به اصطلاح نماینده دارد در قسمتی از شکوئیه سمیه گلپور وی که خود را "نماینده میلیونها کارگر" می خواند می گوید انتظار چنین



برخوردی با کسی را که با رای "کارگران به مجلس وارد شده ندارد، البته همه می دانند که نه کارگران و نه اکثریت مردم در آن انتخابات فرمایشی تر از همیشه شرکت نکرده‌اند که نمایندگان کنونی با رای آنها وارد مجلس شده باشند وقتی که رئیس مجلس با کمتر کمتر از ۲۰ درصد آرا به مجلس وارد شده دیگر حساب "خضری" و امثالهم روشن است در این سخنان چند تناقض و دروغ دیگر نیز وجود دارد که جنبه تبلیغاتی دارند. اولین دروغ ادعای نمایندگی کردن چند میلیون کارگر است که سند و مدرکی بر صحت این ادعا وجود ندارد و در ایران تشکلی که میلیونها کارگر در آن عضو شده باشند به دلیل ممنوعیت فعالیت اتحادیه های کارگری وجود ندارد. بهترین گواه آن این است که هیچ یک از کاندیداهای مورد حمایت خانه کارگر و زیر مجموعه های آن برای ورود به مجلس رای نیاوردند. مجموع اعضای واقعی تشکلی که وی مدعی نمایندگی آن است از آنهایی که در راس گمارده شده‌اند، فراتر نمی رود.

دلیل عمده اش هم قابل فهم است، تشکل مزبور یک تشکل دولتی محسوب می شود و مانند بقیه تشکلهای مشابه فاقد پایگاه و نفوذ در میان کارگران است. دلیل تحویل نگرفتن خانم گلپور از طرف نماینده مذکور هم این است که خزری می داند، گلپور هم مانند خودش کسی را نمایندگی نمی کند و به اندازه وی فرمایشی است و اگر به او توهین و بی محلی کند آب از آب تکان نخواهد خورد. اگر ادعای گلپور مبنی بر نمایندگی "چند میلیون کارگر" درست بود در آن صورت نه این نماینده و نه حتی رئیس جمهور جرات نمی کرد با او رفتار توهین آمیز نماید و اصولا با وجود چند میلیون کارگر متشکل نیازی برای رفتن نزد یک نماینده دشمن حقوق کارگر نبود. اما تناقض دیگر این است که ایشان چرا از میان چند صد نماینده مجلس به سراغ کسی رفته که هم خودش و هم فراکسیونی که عضو آن است در دشمنی شان با عدالت و ضدیت شان با حقوق کارگر کمترین شک و شبهه‌ای وجود ندارد؟

چطور می شود کسی که ادعای نمایندگی میلیونها نفر کارگر را دارد، وقتی کاندیدای نمایندگی در مجلس کنونی شد که خیلی ها با چند هزار رای وارد آن شدند، نتوانست وارد مجلس شود؟ انتظار ایشان از بی توجهی نمایندگان مجلس به حقوق کارگران هم نا موجه است زیرا، کارگران کسی را به مجلس نفرستاده‌اند که انتظار کار مثبتی از مجلس داشته باشند. اکثریت قریب به اتفاق کسانی که به مجلس فرمایشی راه یافته‌اند از جمله خضری، نمایندگان دلانان، خصولتی چی ها، سرمایه داران رانت خوار حکومتی و همان کسانی هستند که حتی جلوی بیمه شدن کارگران ساختمانی را سالهاست سد کرده‌اند. و این همان مجلسی است که این به اصطلاح نماینده جز کسانی بود که نقش هیزم کش تنور آن را داشته‌اند. آری واقعا وجود چنین مجالسی برای کارگران حاصلی غیر از افزودن بر درد و رنج شان نداشته و ندارد. اما وجود "نمایندگانی" امثال خانم گلپور و تشکلهای فرمایشی مشابه حکومتی که دهها سال است نقش دستیاران سرکوبگران طبقه کارگر را به عهده دارند، برای کارگران حتی مصیبت بار تر از مجلس فرمایشی هستند. یک نمونه اش وضعیت بیمه کارگران ساختمانی است که دهها سال است لاینحل باقی مانده است.





بیانیه ۳۴۰۰ نفره در اعتراض به حکم پخشان عزیزی: «در مسیر عدالت هیچ جایی برای کلمه اعدام وجود ندارد»

نفر از هنرمندان، نویسندگان، شاعران، روزنامه‌نگاران، فعالان مدنی، سیاسی و مذهبی و ۳۴۰۰ دانشجویی، وکلا، ورزشکاران و دیگر اقشار جامعه در اعتراض به حکم اعدام پخشان عزیزی یکشنبه ۳۰ دی‌ماه در بیانیه کوتاهی نوشتند: «پخشان عزیزی انسانی از میان مردم ماست. از جنس دردها، آرزوها و امیدهای ما. اعدام پخشان عزیزی، زخمی بر وجدان ما خواهد بود که هرگز التیام نخواهد یافت»



سومین روز از تجمع اعتراضی کارگران شرکت چوکای رضوانشهر در اعتراض به وضعیت معیشتی و معوقات مزدی

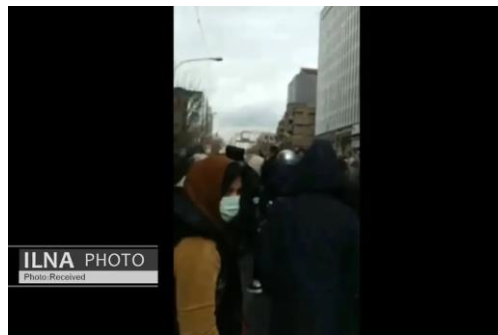


تظاهرات بازنشستگان از کرمان تا کرمانشاه

تظاهرات هفتگی گروه‌های بازنشستگان در ۳۰ دیماه با قوت و گستردگی هفته‌های پیش برگزار شد. در این تظاهرات که از بازنشستگان فولاد در کرمان و اصفهان و البرز مرکزی تا بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش، کرمانشاه و اهواز در آن شرکت داشتند، بازنشستگان بار دیگر بر خواسته‌های اصلی خود و تداوم اعتراضات شان تا متحقق شدن مطالبات خود تاکید کردند. افزایش حقوق و مستمری‌ها، درمان رایگان، همسان سازی حقوق‌ها، پرداخت عیدی برابر با کارگران شاغل و ... هستند. تداوم اعتراضات در حالی جریان دارد که مسئولین دولتی تلاش می‌کنند با توسل به سکوت و بی‌جواب گذاشتن مطالبات، بازنشستگان را که از فشار روز افزون هزینه‌های فزاینده به تنگ آمده‌اند، از ادامه اعتراضات مایوس و منفعل کنند. خوشبختانه تا کنون این رویه دولتمردان بی‌اثر بوده است



اعتراض پرستاران اورژانس پیش بیمارستانی به عدم تعریف بسته مستقل تعرفه گذاری پرستاران اورژانس پیش بیمارستانی گفتند: در اجرای قانون تعرفه گذاری، پرستاران پیش بیمارستانی بیش از سایر گروه‌ها نادیده گرفته شده‌اند و هیچ بسته خدمتی برای خدمات پرستاران فوریت‌های پزشکی پیش بیمارستانی در شورای عالی بیمه تعریف و تصویب نشده است.



تجمع بازنشستگان فرهنگی مقابل وزارتخانه/ انتظار طولانی برای پاداش پایان خدمت سفر بازنشستگان فرهنگی از شهرهای مختلف به تهران برای گرفتن معوقاتی که ارزش آن بخاطر تاخیر نصف شده است
آنها با انتقاد از عدم واریز ۶۰ درصد باقیمانده پاداش پایان خدمت، گفتند: از استان‌های مختلف به تهران آمدم و مقابل وزارت آموزش و پرورش دست به تجمع زدیم. این نهمین بار است که برای اعتراض به تهران می‌آیم.





اپراتورهای پست‌های فشار قوی استان فارس تجمع کردند.

اپراتورهای پست‌های فشار قوی فارس در تماس با خبرنگار ایلنا، از تجمع امروز (۳۰ دی‌ماه) مقابل استانداری خبر دادند.

یکی از کلاه‌زردها در ارتباط با دلایل این اعتراض صنفی می‌گوید: بعد از تصویب و اجرای طرح طبقه‌بندی، معوقات ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ پرداخت نشد و به بهانه قیاس با حقوق کارمندان، کسورات در فیش‌های حقوقی اپراتورها اعمال می‌کنند.

او افزود: پاداش پایان سال هم از ما دریغ شده است؛ می‌گویند چون شما کارگر هستید و عیدی بالایی می‌گیرید، پاداش پایان سال به شما تعلق نمی‌گیرد؛ دو سال است خلاف توافق توانیر و وزارت نیرو، این پاداش به ما تعلق نگرفته است.

اپراتورها می‌گویند از توانیر و وزارت نیرو می‌خواهیم به مسئله ورود کرده و جلوی برخورد سلیقه‌ای برق مناطق را بگیرند. نباید حقوق‌ها با برخورد سلیقه‌ای قیچی شود.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>